

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان
دانشکده علوم اداری و اقتصاد
گروه علوم سیاسی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی روابط بین الملل

همکاری پاکستان و آمریکا در مبارزه علیه تروریسم (۲۰۰۸-۲۰۰۱)

استادان راهنما:

دکتر نوذر شفیعی

دکتر سعید وثوقی

پژوهشگر:

زهرا محمودی

۱۳۸۸/۱۰/۲۷

مهر ماه ۱۳۸۸

مهر اطلاعات و ارتباطات رت سمعی بره

تعمیر و بازسازی

۱۳۰۰۳۸

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات
و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه علوم سیاسی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی روابط بین الملل خانم زهرا محمودی

تحت عنوان

"همکاری پاکستان و آمریکا در مبارزه علیه تروریسم (۲۰۰۸-۲۰۰۱)"

در تاریخ ۱۳۸۸/۷/۱۶ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه ... عالی ... به تصویب نهایی رسید.

امضا
امضا

با مرتبه ی علمی استادیار

دکتر نوذر شفیعی

۱- استاد/ استادان راهنمای پایان نامه

با مرتبه ی علمی استادیار

دکتر سعید وثوقی

۲- استادا/ استادان راهنمای پایان نامه

امضا

با مرتبه ی علمی استادیار

دکتر سیدجواد امام جمعه زاده

۳- استاد/ استادان داور داخل گروه

امضا

با مرتبه ی علمی استادیار

دکتر محمود جلالی

۴- استاد/ استادان داور خارج از گروه

مدیر گروه علوم سیاسی

دکتر حسین مسعودنیا

این اثر
تقدیم به بهترین‌های زندگی‌ام؛

پدر و مادر عزیزم.

سپاسگزاری

در اینجا بر خود لازم می‌دانم تا از یکایک کسانی که مرا در انجام این تحقیق یاری نموده‌اند، تشکر و قدردانی نمایم. از اساتید محترم راهنما، جناب آقای دکتر نوذر شفیعی و جناب آقای دکتر سعید وثوقی که همواره در طی این پژوهش دلسوزانه دانش و تجربیات ارزنده خویش را جهت به سرانجام رسیدن این پژوهش در اختیار اینجانب قرار دادند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایم. همچنین از مدیر گروه علوم سیاسی جناب آقای دکتر مسعودنیا و کارشناسان محترم گروه، خانم عابدی و رضوی کمال تشکر را دارم.

زهرا محمودی

مهر ماه ۱۳۸۸

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تشریح همکاری ایالات متحده آمریکا با پاکستان در زمینه مبارزه علیه تروریسم طی سال های ۲۰۰۸_۲۰۰۱ انجام گرفته است. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی و تحلیلی است؛ به این معنی که ابتدا منابع مربوطه مطالعه و فیش برداری شده است، سپس با توجه به فرضیه پژوهش به تحلیل داده ها پرداخته و پس از آن به نگارش موضوع بر حسب فصول تعیین شده، مبادرت شده است.

نتایج این پژوهش نشان داد: ۱- بعد از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و آغاز جنگ جهانی علیه تروریسم، مناسبات آمریکا با پاکستان - به عنوان کشور خط مقدم مبارزه با تروریسم - وارد مرحله نوینی شده است. ۲- سیاست های پاکستان و آمریکا بر مبنای اصل منافع ملی و واقعیت های استراتژیک منطقه ای و جهانی در زمینه مبارزه با تروریسم به یکدیگر نزدیک شده است. ۳- اعلام همکاری واشنگتن و اسلام آباد در برهه زمانی پس از ۱۱ سپتامبر از یک سو بیانگر نیاز آمریکا به پاکستان و پذیرش نقش این کشور از جانب دولت مردان آمریکا به عنوان خط مقدم نبرد با تروریسم با وجود چندین هزار مدرسه مذهبی مروج تفکرات رادیکال در پاکستان، حضور انواع گروه های تروریستی مرتبط با القاعده و طالبان در خاک این کشور، موقعیت مناطق قبیله ای پاکستان به منزله بهشت امن تروریست ها و هم چنین ارتباط دولت و خصوصاً آی. اس. آی پاکستان با طالبان می باشد و از سوی دیگر تصریح کننده این واقعیت است که پاکستان در زمینه تأمین و ارسال انواع کمک ها و رفع خطر حمله نیروهای ائتلاف ضد تروریسم به این کشور و نیز حل مشکلات خود پیرامون موضوعات سیاسی، اقتصادی و نظامی ناگزیر از همکاری با آمریکا بود. ۴- به رغم کلیه همکاری های صورت گرفته میان واشنگتن و اسلام آباد در زمینه مبارزه با تروریسم، همواره سایه شک و تردید بر این همکاری ها حکم فرما بوده است. ۵- این سوء ظن از آن جهت در ذهن آمریکایی ها نقش بسته است که پاکستان با لحاظ نمودن مسائلی نظیر معضل کشمیر، مسئله خط دیوراند و گسترش خطر نفوذ دهلی در کابل، نوعی عدم صداقت در مبارزه با تروریسم را در پیش گرفته است و تا زمان رفع ملاحظات استراتژیک خود و رسیدن به نتیجه برد برای هر دو طرف (آمریکا و پاکستان) به این رویه ادامه خواهد داد.

کلید واژه ها: تروریسم، ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، بنیادگرایی، منافع ملی، طالبان

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات پژوهش

۱	مقدمه
۱	۱-۱ شرح و بیان مسئله پژوهشی
۲	۱-۱-۱ دوره جنگ سرد (۱۹۴۷-۱۹۹۰)
۳	۱-۱-۲ دوره پس از جنگ سرد (۱۹۹۰-۲۰۰۱)
۴	۱-۱-۳ دوره پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱
۶	۲-۱ تعریف مفاهیم
۶	۱-۲-۱ تروریسم (Terrorism)
۶	۲-۲-۱ یازده سپتامبر ۲۰۰۱ (9-11)
۷	۳-۲-۱ طالبان (Taliban)
۷	۴-۲-۱ منافع ملی (National Interest)
۷	۳-۱ پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق
۹	۴-۱ اهداف تحقیق
۹	۵-۱ فرضیه تحقیق
۹	۶-۱ اهمیت تحقیق
۱۰	۷-۱ کاربرد نتایج تحقیق
۱۰	۸-۱ روش تحقیق
۱۰	۹-۱ ابزار گردآوری داده ها
۱۰	۱۰-۱ ابزار تجزیه و تحلیل
۱۱	۱۱-۱ محدودیت های تحقیق
۱۲	۱۲-۱ سازماندهی تحقیق

فصل دوم: چارچوب تئوریک

۱۵	۱-۲ مفاهیم نظریه بازی ها
----	--------------------------

فصل سوم: روابط آمریکا و پاکستان در دوران جنگ سرد و پس از جنگ سرد

۱-۳	بخش اول: دوران جنگ سرد.....	۲۹
۲-۳	بخش دوم : دوران پس از جنگ سرد.....	۳۴
۱-۲-۳	مسئله افغانستان.....	۳۴
۲-۲-۳	آزمایش اتمی	۳۶
۳-۲-۳	بحران کارگیل	۳۷
۴-۲-۳	کودتای نظامی ژنرال پرویز مشرف.....	۳۹

فصل چهارم: روابط آمریکا - پاکستان و آغاز جنگ علیه تروریسم

۱-۴	تأثیر حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بر پاکستان.....	۴۲
۲-۴	اهمیت پاکستان در جنگ علیه تروریسم	۵۲
۱-۲-۴	ارتباط گروه های تروریستی پاکستان با طالبان و القاعده.....	۵۳
۲-۲-۴	مدارس مذهبی پاکستان و نقش آن ها در پرورش رادیکالیسم	۷۲
۳-۲-۴	مناطق خودمختار قبیله ای پاکستان به عنوان مأمّن تروریست ها	۷۸
۴-۲-۴	آی.اس.آی و ارتباط آن با تروریست ها.....	۸۴
۵-۲-۴	ارتباط پاکستان و طالبان.....	۸۶

فصل پنجم: همکاری های پاکستان و آمریکا در جنگ علیه تروریسم پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

۱-۵	بخش اول: همکاری اطلاعاتی آمریکا و پاکستان بعد از ۱۱ سپتامبر	۹۲
۲-۵	بخش دوم: همکاری اقتصادی آمریکا و پاکستان بعد از ۱۱ سپتامبر	۹۵
۳-۵	بخش سوم: همکاری نظامی - امنیتی پاکستان و آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر	۹۹
۴-۵	بخش چهارم: همکاری آموزشی- فرهنگی پاکستان و آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر.....	۱۰۸

فصل ششم: ملاحظات پاکستان در جنگ علیه تروریسم

۱-۶	بخش اول: نگرانی پاکستان از نفوذ هند در افغانستان	۱۱۵
۲-۶	بخش دوم: اختلاف پاکستان و افغانستان در خصوص خط دیوراند	۱۱۷
۳-۶	بخش سوم: مسئله کشمیر	۱۲۰
۱۲۶	جمع بندی و نتیجه گیری.....	۱۲۶
۱۳۱	پیوست	۱۳۱
۱۳۲	منابع و مأخذ.....	۱۳۲

فهرست شکل ها

صفحه	عنوان
۲۰.....	شکل ۱-۲- بازی بزدل: حاصل «طبیعی» یا کمترین بیشینه
۲۳.....	شکل ۲-۲- معمای زندانی: حاصل «طبیعی» یا کمترین بیشینه
۶۳.....	شکل ۱-۴- فرایند تکامل جیش محمد

فصل اول:

کلیات پژوهش

مقدمه

پاکستان در حالی به عنوان یکی از بی ثبات ترین و پیچیده ترین کشورهای جهان و مهد تفکر طالبانی شناخته شده است که هم زمان به نام خط مقدم مبارزه با تروریسم و شریک آمریکا در نبرد با افراط گرایی نیز مطرح می باشد. پاکستان در دوران جنگ سرد به دلیل مجاورت جغرافیایی با اتحاد جماهیر شوروی از اهمیت خاصی برای مهار تهدید کمونیسیم -مهم ترین هدف سیاست خارجی و امنیت ملی آمریکا- برخوردار بود. به بیان دیگر الزامات ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیکی پاکستان در جنوب آسیا، به خصوص زمان تجاوز شوروی به افغانستان در سال ۱۹۷۹ باعث شد تا آمریکا روابط خود را با پاکستان بر مبنای اتحاد استراتژیک قرار دهد. با پایان جنگ سرد، جایگاه پاکستان در سیاست خارجی آمریکا تنزل یافت تا جایی که فعالیت های هسته ای پاکستان، بحران کارگیل و کودتای نظامی ژنرال پرویز مشرف موجب طرح تحریم هایی از جانب واشنگتن علیه اسلام آباد و سردی روابط دو کشور گردید.

اما وقوع حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و نبرد با تروریسم به رهبری آمریکا، موجب تغییر کیفیت و کمیت روابط واشنگتن و اسلام آباد گردید، چرا که برای دولت مردان آمریکا کاملاً روشن بود که بدون همکاری پاکستان، هر گونه عملیات علیه طالبان و تروریست ها تقریباً بی نتیجه خواهد ماند. از این رو تعریف مجدد روابط آمریکا با پاکستان - به عنوان کشور خط مقدم مبارزه با تروریسم - موجب ارتقاء انواع همکاری های اطلاعاتی، اقتصادی، نظامی - امنیتی و فرهنگی - آموزشی دو کشور به سطح قابل توجهی گردید. در کنار همکاری های صورت گرفته میان دو کشور در زمینه مبارزه با تروریسم، دغدغه های پاکستان در موضوعاتی نظیر کشمیر، خط دیوراند و خطر ناشی از حضور رو به گسترش هند در افغانستان، بر میزان راستی و درستی همکاری اسلام آباد با واشنگتن تأثیر به سزایی گذاشته است و زمزمه هایی مبنی بر استفاده ابزاری و حمایت مخفیانه از طالبان توسط پاکستان وجود دارد طوری که این کشور، همکاری صادقانه با آمریکا جهت نبرد با تروریسم را موکول به حل نگرانی های استراتژیک خود نموده است.

در این پایان نامه سعی شده است در شش فصل همکاری پاکستان و آمریکا در مبارزه با تروریسم طی دوره زمانی ۲۰۰۱-۲۰۰۸ نشان داده شود. در فصل اول این پژوهش به کلیات تحقیق و در فصل دوم به چارچوب نظری تحقیق (قاعده بازی با حاصل جمع جبری متغیر^۱) به طور مفصل پرداخته شده است. در فصل سوم در دو بخش روابط آمریکا و پاکستان در دوران جنگ سرد و روابط آمریکا و پاکستان در دوران پس از جنگ سرد مورد بررسی قرار گرفته است. فصل چهارم نیز به دو بخش تقسیم شده است. بخش اول به تأثیر حادثه ۱۱ سپتامبر بر پاکستان و بخش دوم به دلایل اهمیت پاکستان در جنگ علیه تروریسم اختصاص یافته است. فصل پنجم همکاری های پاکستان و آمریکا در جنگ علیه تروریسم پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را شرح می دهد. فصل ششم نیز ملاحظات مدنظر پاکستان در مسیر همکاری با آمریکا در جنگ علیه تروریسم را مطرح می کند و در آخر نتیجه گیری بحث مطرح می شود.

۱-۱ شرح و بیان مسئله پژوهشی

کشور پاکستان در اوت ۱۹۴۷ و به دنبال فعالیت های جنبش مسلم لیگ به رهبری محمدعلی جناح از هند جدا گردید و وارد جغرافیای سیاسی جهان شد. پاکستان در حالی با مساحت ۷۹۶ کیلومتر مربع در منطقه جنوب آسیا قرار گرفته است که به دلیل اهمیت ژئوپلیتیک و موقعیت استراتژیک خود همواره در کانون توجهات قدرت های

رقیب قرار داشته است. این توجه هر چند در برهه‌های مختلف و براساس چگونگی ترسیم صحنه رقابت از سوی قدرت‌های منطقه ای و بین‌المللی متفاوت بوده و دارای فراز و فرود گردیده اما هیچ‌گاه این کشور را از مدار معادلات استراتژیک خارج نساخته است.

ایالات متحده آمریکا یکی از کشورهایی است که از زمان تأسیس پاکستان تاکنون به اسلام آباد به عنوان یکی از سرپل‌های امنیتی و ارتباطی در سیاست منطقه‌ای واشنگتن توجه می‌نماید (متقی: ۱۳۸۵: ۱۱). در یک بررسی دقیق تر، روابط آمریکا و پاکستان را می‌توان در سه دوره زمانی بررسی نمود:

۱-۱-۱ دوره جنگ سرد (۱۹۹۰-۱۹۴۷)

روابط آمریکا و پاکستان در فضای جنگ سرد و رقابت دو ابرقدرت آمریکا و شوروی کلید خورد. در این دوران، اسلام آباد به دلیل موقعیت اهمیت و جایگاه ژئواستراتژیکی منطقه جنوب آسیا مورد توجه دولت مردان واشنگتن قرار گرفت (Momani, 2004:43) در مقابل پاکستان نیز از وحشت اقتدار نظامی هند و تهدید نسبت به موجودیت و حاکمیت خود از جانب دهلی به سمت روابط گسترده با واشنگتن گرایش پیدا کرد. با عمیق تر شدن روابط آمریکا و پاکستان، توافق نامه‌های متعددی میان دو کشور منعقد گردید که حکایت از جایگاه مهم اسلام آباد در نزد مقامات واشنگتن داشت. موافقتنامه دو جانبه دفاعی و امنیتی در ۱۹۵۴ میان پاکستان و آمریکا، عضویت اسلام آباد در پیمان‌هایی نظیر پیمان دفاع جمعی جنوب شرقی آسیا (سیتو)^۱ در سال ۱۹۵۴، پیمان بغداد^۲ در سال ۱۹۵۵ و پیمان ستو^۳ در سال ۱۹۵۹ و هم‌چنین دو توافق نامه امنیتی بین واشنگتن و اسلام آباد در سال‌های ۱۹۵۵ و ۱۹۵۶ منعقد شد. بود در مجموع می‌توان دلیل عضویت پاکستان در حلقه استراتژیک واشنگتن و پیمان‌های نظامی را معمای امنیتی^۴ این کشور که شامل موضوعاتی نظیر جبران عدم توازن قدرت این کشور در قبال هند، بدبینی و عدم اعتماد پایدار همسایه شمالی یعنی افغانستان و نیز نگرانی از تکوین محور کابل-مسکو-دهلی نو می‌گردید، دانست (سجادپور، ۱۳۸۶: ۳۲). در حقیقت عواملی نظیر وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ در ایران و خروج این کشور از پیمان بغداد و جذب ترکیه به سوی همکاری با اروپای غربی به علت وجود سازمان همکاری آتلانتیک شمالی باعث شد فقط پاکستان بتواند نقشی را که به عنوان نگهبان و حافظ منافع آمریکا در جنوب آسیا به آن محول شده، ایفا نماید.

1 Southeast Asia Treaty Organization (SEATO)

2 Baghdad Pact

3 Central Treaty Organization (CENTO)

4 Security Dilemma

با وقوع جنگ پاکستان و هند در سال ۱۹۶۵ جریان ارسال کمک های واشنگتن به اسلام آباد به مدت ده سال با مشکل مواجه ساخت. در سال ۱۹۷۵ مجدداً فروش تسلیحات به پاکستان از سر گرفته شد. در دولت جیمی کارتر^۱ به علت ادامه فعالیت های هسته ای پاکستان اصلاحیه سمینگتون^۲ تصویب گردید که بر طبق آن کمک های اقتصادی به پاکستان به استثنای کمک های غذایی قطع شد.

با تجاوز شوروی به افغانستان در دسامبر ۱۹۷۹ روابط واشنگتن - اسلام آباد به دلیل جایگاه خاص پاکستان در زمینه مقابله با نفوذ کمونیسم روند رو به رشدی طی نمود و سیل کمک های اقتصادی و نظامی به این کشور سرازیر شد. به بیان دیگر، اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی سابق، پاکستان را به کانون سد نفوذ آمریکا و غرب در برابر نفوذ کمونیسم و مبارزه علیه آن تبدیل کرد. استدلال سازمان سیا این بود که از این طریق می توان شوروی را به خروج از افغانستان وادار نمود. بر این اساس روابط سازمان سیا و آی.اس.ای مستحکم گردید و ارسال کمک های نظامی به پاکستان برای آموزش و سازماندهی مبارزان علیه شوروی و اشغال افغانستان در دستور کار کاخ سفید قرار گرفت. در همین راستا با تزریق ثروت نفتی عربستان و امارات، هزاران مدرسه و محافل مذهبی برای تربیت جهادگران اهل تسنن در پاکستان تأسیس گردید. با انعقاد پیمان ژنو و خروج نیروهای اتحاد جماهیر شوروی سابق از افغانستان، رفته رفته از اهمیت ژئوپلیتیک پاکستان را کاهش داد.

۱-۱-۲ دوره پس از جنگ سرد (۱۹۹۰-۲۰۰۱)

بر خلاف دوران جنگ سرد که روابط آمریکا و پاکستان از پویایی ویژه ای برخوردار بود، در دوره پس از جنگ سرد روابط این دو کشور به سردی گرایید. در این دوران چهار مسئله در روابط آمریکا و پاکستان در دهه ۹۰ قابل ملاحظه است: ۱- مسئله افغانستان که با خروج نیروهای شوروی از این کشور اهمیت پاکستان برای آمریکا کاهش می یابد تا سال ۱۹۹۴ که رسانه های گروهی برای نخستین بار با نام طالبان آشنا شدند. مقامات آمریکایی ابراز نگرانی می کردند که مواد مخدر، تروریسم و بنیادگرایی اسلامی که طالبان پیام آور آن بودند ممکن است پاکستان را با وضعیتی نگران کننده همراه کند. ۲- آزمایش اتمی پاکستان به دنبال انفجارهای اتمی هند در مه ۱۹۹۸ که موجب اعمال تحریم هایی از جانب آمریکا علیه این دو کشور بر اساس اصلاحیه گلن^۳ از جانب آمریکا گردید. ۳- بحران کارگیل^۴ در سال ۱۹۹۹ که در پی تنش میان هند و پاکستان، آمریکا بر حل اختلاف میان دو

1 Jimmy Carter

2 Symington Amendment

3 Glenn Amendment

4 Kargil

کشور تأکید نمود. در پی این بحران، واشنگتن نقش مهم دهلی را در حفظ ثبات در آسیای جنوبی به رسمیت شناخت و از طرف دیگر اجازه نداد اسلام آباد تحت سلطه نظامی هند قرار بگیرد. ۴- کودتای نظامی ژنرال پرویز مشرف در سال ۱۹۹۹ که موجب شد لایه سوم تحریم ها از طرف آمریکا بر اساس بخش ۵۰۸ لایحه تخصیص کمک های خارجی، بر پاکستان تحمیل شود و جریان کمک های اقتصادی و نظامی به پاکستان قطع گردید. در حقیقت نیمه اول دهه ی ۱۹۹۰ که دهه ای مملو از بحران بود، دوره ای دشوار در روابط بین آمریکا و پاکستان پس از پایان جنگ سرد به شمار می آید که مسائل هسته ای، تروریسم و مواد مخدر یکی پس از دیگری بر روابط دو کشور سایه افکند (Baloch, 2006: 38-39).

۱-۱-۳ دوره پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

با حمله به برج های دوقلوی نیویورک در ۱۱ سپتامبر و لشکرکشی آمریکا برای اشغال افغانستان، واشنگتن مناسبات خود با اسلام آباد را تحکیم نمود و از پاکستان به عنوان سرپل عملیات نظامی علیه طالبان و القاعده استفاده کرد. در همین راستا آمریکا الویت های سیاست خارجی خود را در روابط با پاکستان که موجب انعقاد تحریم هایی بر اثر آزمایش اتمی و حکومت نظامی در پاکستان شده بود را لغو نموده و به حمایت از این کشور پرداخت. در حقیقت حادثه ۱۱ سپتامبر موجب گردید که پاکستان از چند جنبه مورد توجه آمریکا قرار بگیرد: همسایگی افغانستان با پاکستان، ارتباط گسترده طالبان با مدارس مذهبی افراطی این کشور و جایگاه این مدارس در گسترش آموزه های افراطی، نفوذ و حضور طالبان و سایر تروریست ها در مناطق خودمختار قبیله ای پاکستان و تبدیل این مناطق به مأمن امن تروریست ها، ارتباط گروه های تروریستی پاکستان با طالبان و القاعده، پیوندهای موجود میان دولت پاکستان و آی اس آی^۱ - به عنوان پدر خوانده و پرورش دهندگان طالبان - با گروه های تروریستی و طالبان.

دولت پاکستان در مقابل اولتیماتوم آمریکا برای همکاری با این کشور دو راه بیشتر پیش رو نداشت: یکی پیوستن به ائتلاف ضد تروریسم به رهبری آمریکا و دیگری ادامه حمایت از طالبان. عدم همکاری با آمریکا می توانست پاکستان را در فهرست کشورهای که بعداً به عنوان محور شرارت شناخته شدند قرار دهد و پیامدهای سختی از سوی آمریکا برای این کشور به بار آورد و همکاری با آمریکا می توانست این کشور را دچار بحران داخلی سازد. اما مشرف با انتخاب گزینه «اول پاکستان بعد هر چیز دیگری» به نابودی مولود آی اس آی تن داد.

1- Inter- Services Intelligence (ISI).

به بیان دیگر پس از رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله آمریکا به افغانستان در راستای مجازات عاملان این حادثه، پاکستان با تغییر سیاستهای گذشته و اعلام قطع حمایت از طالبان، به عنوان پیش قراول سپاه نبرد علیه بنیادگرایی و رادیکالیسم اسلامی مطرح شد. البته اخذ این تصمیم از سوی ژنرال پرویز مشرف به جهت قرار گرفتن در دو راهی سرنوشت سازی بود که طی آن، اگر با آمریکا در جنگ علیه تروریسم همراه نمی شد، کشورش قبل از افغانستان مورد حمله قرار می گرفت و اگر با پیشنهاد آمریکا مبنی بر همکاری با این کشور در جهت نابودی طالبان موافقت می کرد، باید خود را آماده پاسخ گویی به حامیان طالبان در داخل پاکستان و نحوه برخورد با مخالفان می کرد. ژنرال مشرف با نگرشی بر خاسته از عمل گرایی و با سر لوحه قرار دادن منافع ملی پاکستان، با انتخاب گزینه همراهی با آمریکا در جنگ علیه تروریسم، اعلام نمود: «آمریکایی ها اکنون برای ما بیشتر از طالبان منفعت دارند» (Economist, 2002: 4).

در حقیقت پاکستان با اخذ این تصمیم توانست از خطر حمله ائتلاف ضد تروریسم به این کشور جلوگیری نماید و به یک پشتوانه استراتژیک مانند ایالات متحده آمریکا در مقابل هند دسترسی یابد. از سوی دیگر عدم همکاری در این زمینه به لحاظ نظامی برای پاکستان خطر ساز می بود چرا که دهلی نو با توجه به فرصت پدید آمده می توانست جایگزین اسلام آباد شود، بهره مندی از کمک ۱۰ میلیون دلاری آمریکا و رهایی از تحریم های بین المللی، تنش زدایی با هند و از همه مهمتر نادیده گرفتن کودتا در پاکستان از دیگر عوامل قابل ذکر در زمینه عوامل انتخاب این تصمیم می باشد. در ادامه همکاری های دو کشور در زمینه های اطلاعاتی، نظامی - امنیتی، اقتصادی و آموزشی و فرهنگی بین دو کشور در سطح گسترده ای ادامه یافت. منطق تأمین این کمک ها برای پاکستان از نظر آمریکا جایگاه این کمک های خارجی به عنوان وسیله ای دیپلماتیک در جهت مبارزه جهانی با تروریسم و تقویت ثبات اقتصادی و سیاسی دول متحد می باشد.

درست است که پاکستان، هم پیمان کلیدی آمریکا در ائتلاف ضد تروریسم می باشد و نیز از ژنرال پرویز مشرف با عنوان چرخ جدایی ناپذیر ماشین منافع امپراطوری آمریکا نام برده می شود. (قدیری، ۱۳۸۶: ۳۲)، اما با نگاهی عمیق و موشکافانه به مسائل پاکستان در می یابیم که وعده های مشرف مبنی بر همکاری کشورش با آمریکا در مبارزه علیه تروریسم چندان خالصانه نبوده است. به دیگر سخن، با توجه به ملاحظات پاکستان در فرآیند همکاری با آمریکا در مبارزه با تروریسم، مانند خطر نفوذ هند در افغانستان، مشکل خط دیوراند و معضل کشمیر بسیاری تصمیم مشرف به پیوستن به جبهه ضد تروریسم را اقدامی در جهت دور ماندن از خشم آمریکا و حفظ منافع پاکستان در جنوب آسیا می دانند، که بازتابی در تغییر ساختاری سیاست های این کشور در مبارزه با افراط گرایی و حمایت از طالبان در پی نداشته است. منتقدان معتقدند اردوگاه های آموزشی تروریست ها در خاک

پاکستان به تحریک مبارزان افراطی (که برخی با اعضای القاعده در ارتباطند) علیه هند و انجام فعالیت های تروریستی در کشمیر و افغانستان، نشر و گسترش عقاید رادیکال در اطراف جهان می پردازند (Hadar, 2002:3) و دولت مشرف اقدام خاصی علیه آن ها انجام نمی دهد. در همین راستا، هدف اسلام آباد از ادامه حمایت از طالبان علی رغم پیوستن به ائتلاف ضد تروریسم، تحت فشار قرار دادن آمریکا جهت حل معضل کشمیر و خط دیوراند بر طبق منافع پاکستان مطرح شده است. از دید مشرف اگر پاکستان به نابودی طالبان طبق درخواست آمریکا پردازد نتیجه ای جز باخت نصیب این کشور نخواهد شد در صورتی که این کشور به دنبال نتیجه برد برای خود می باشد بنابراین به شرط برآورده شدن ملاحظات استراتژیک خود در افغانستان و هند به همکاری خالصانه با آمریکا در مبارزه با تروریسم ادامه می دهد در غیر این صورت این کشور هم در حکم مشکل - به علت ارتباط گسترده با گروه های تروریستی و استفاده از آن ها در جهت حفظ منافع امنیتی و ژئوپلیتیکی خود - و هم راه حل - به علت مجاورت جغرافیایی با افغانستان، شناخت گسترده از طالبان به دلیل سابقه دیرینه روابط دو طرف، اصلاح مدارس مذهبی تندرو پاکستان در جهت کاهش شدت جریان تفکرات رادیکال - در هر دو جبهه مبارزه علیه تروریسم و نیز تقویت مخفیانه شعله های آتش تروریسم فعالیت خواهد کرد.

۱-۲ تعریف مفاهیم

در این پژوهش چند مفهوم کلیدی مطرح می باشد که عبارتند از:

۱-۲-۱ تروریسم (Terrorism)

واژه ترور به معنای ترس و ترساندن است و عبارتند از کاربرد خشونت غیر قانونی یا تهدید به کاربرد آن توسط فرد یا گروه سازمان دهی شده به منظور ارباب یا تحت فشار قرار دادن جوامع یا حکومتها (Bartleby, 2008:1).

۱-۲-۲ یازده سپتامبر ۲۰۰۱ (9/11)

در ادبیات سیاسی به رویدادی گفته می شود که به مرگ قریب به سه هزار تن از ساکنان برج های دوقلو سازمان تجارت جهانی بر اثر برخورد دو فروند هواپیمای مسافربری با آنها انجامید. در پی این رویداد آمریکا اعلام کرد

که: «یا با هستید یا علیه ما». این حادثه نقطه عطفی در تاریخ آمریکا به شمار می رود و در شکل گیری دکترین جرج دبلیو بوش «جنگ پیش دستانه» نقش بسزایی ایفا کرد (علی بابایی، ۱۳۸۲: ۶۱۵).

۱-۲-۳ طالبان (Taliban)

طالبان به معنای طلبه ها (جمع طلاب)، نام گروهی از شبه نظامیان افراطی مخالف دولت افغانستان است که دارای عقاید افراطی مذهبی و وابسته به مکاتب حنفی و وهابی و باورهای قبیله ای پشتون می باشد.

۱-۲-۴ منافع ملی (National Interest)

این منافع هدف اصلی و تعیین کننده نهایی در جریان تصمیم گیری سیاست خارجی یک کشور محسوب می شود. مفهوم منافع ملی متشکل از عناصری است که مهم ترین احتیاجات حیاتی کشور را تشکیل می دهد. این عناصر عبارتند از موجودیت و تمامیت ارضی، استقلال، امنیت نظامی، رفاه اقتصادی (علی بابایی، ۱۳۸۲: ۵۴۵).

۱-۳ پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق

در مورد موضوع زمینه ها و پیامدهای همکاری پاکستان و آمریکا در مبارزه علیه تروریسم تا کنون کتاب یا مقاله خاصی نوشته نشده است و اکثر تحقیقات به صورت جزئی و گذرا بوده و در سطح ژورنالیستی باقی مانده است؛ لذا این تحقیق سعی خواهد کرد زمینه ها و پیامدهای همکاری آمریکا و پاکستان در خصوص مبارزه با تروریسم طی سال های ۲۰۰۱-۲۰۰۸ را تبیین نماید. مهم ترین تحقیقاتی که در زمینه ی موضوعات مرتبط با پژوهش مورد نظر انجام شده اند عبارتند از:

۱- دهشیار (۱۳۸۶) در مقاله ای تحت عنوان «ستون های دوگانه بی ثباتی در پاکستان» به این مبحث پرداخته است که حضور گسترده ارتش در بدنه جامعه و نقش برجسته نیروهای زنده نگه دارنده بنیادگرایی در ساختار قدرت، عامل نرسیدن موج سوم دموکراسی به این کشور می باشد. دخالت ارتش در سیاست فضایی مناسب برای رشد بنیادگرایی در پاکستان بوجود آورده است. تقویت جایگاه بنیادگرایان از آن رو که بر ژرفای گسل های موجود در کشور می افزاید و امنیت را به گونه ای فزاینده با چالش روبرو می کند مداخله ارتش را الزامی می سازد.

وجود این تناقض در زندگی پاکستان سبب نهادینه شدن بی ثباتی و لرزش پایه های دموکراسی شده است. اما این مقاله موضوع همکاری پاکستان و آمریکا در خصوص مبارزه با تروریسم را در بر نمی گیرد.

۲- فرزین نیا (۱۳۸۴) در مقاله ای با عنوان "بازبینی روابط پاکستان و آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر" روابط این دو کشور را در سه بعد تاریخی، آراء و نظریات سیاستگذاران و شرایط بین المللی بررسی نموده است و ضمن نگاهی کوتاه به تاریخچه روابط دو کشور تأثیر شرایط و تحولات بین المللی بر این مسئله را در دوران جنگ سرد، پس از جنگ سرد، دوره پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مورد بررسی قرار داده است. تمرکز این مقاله حول محور روابط آمریکا و پاکستان بعد از ۱۱ سپتامبر می باشد ولی به موضوع اهداف آمریکا در خصوص همکاری با پاکستان در جهت مبارزه با تروریسم و نتایج آن اشاره ای نشده است.

۳- مؤدب (۱۳۸۲) در مقاله ای با عنوان "پاکستان در دو راهی سرنوشت ساز: بلا تکلیفی" بیان می دارد که پیوند نظامیان با مذهبی های افراطی باعث شده است که پاکستان همواره از گروههای افراطی برای پیشبرد اهداف خود در حوزه های خارجی استفاده کند ولی پیوند نظامیان و مذهبی ها از یک طرف و نیز افزایش فشارهای آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر از طرف دیگر موجب شده است که پاکستان در دو راهی سرنوشت سازی قرار گیرد. راه اول ادامه حمایت از گروههای افراطی و راه دوم همراه شدن با آمریکا است که البته پاکستان در نهایت مخالفت با طالبان را در راستای منافع ملی خود دانست. اما این مقاله به ترسیم شرایط داخلی و تبیین ویژگی و نقش گروههای بنیادگرا پاکستان پرداخته است، هم چنین اشاره ای به اقدامات پرویز مشرف در خصوص مبارزه با تروریسم نشده است.

۴- دهشیار (۱۳۸۲) در کتابی تحت عنوان "سیاست خارجی آمریکا در آسیا" که در هشت فصل به رشته تحریر درآمده است به بررسی مسائل مرتبط به سیاست خارجی آمریکا در آسیا در تعدادی از کشورهای آسیایی می پردازد. در فصل ششم، تحت عنوان آمریکا و بحران شبه قاره هند به بررسی مسائل پاکستان از قبیل معضل کشمیر، نقش ارتش در پاکستان، مدارس مذهبی و گروه های مبارز پاکستانی از منظر آمریکا پرداخته شده است اما اشاره ای به همکاری واشنگتن - اسلام آباد در زمینه مبارزه با تروریسم و پیامدهای ناشی از آن نداشته است. بدین ترتیب به دلیل کمبودهایی که در پژوهش های پیشین وجود داشت نگارنده بر آن شد تا زمینه ها و پیامدهای همکاری پاکستان و آمریکا در مبارزه علیه تروریسم را به عنوان موضوع پایان نامه ی خود انتخاب کند.

۵- آقاجری (۱۳۸۱) در مقاله ای با عنوان "حادثه ۱۱ سپتامبر و تأثیر آن بر سیاست دولت پاکستان در قبال گروه های اسلامی" به شرح حادثه ۱۱ سپتامبر و موضع آمریکا در قبال طالبان می پردازد و قرار گرفتن اسلام آباد در کنار واشنگتن در رویارویی با طالبان را نشانه زیرکی و شناخت وضع موجود از سوی زمامداران پاکستان می داند.

هم چنین پس از بررسی اوضاع داخلی پاکستان بعد از اخذ تصمیم همکاری با آمریکا، برنامه پرویز مشرف برای مبارزه با فرقه گرایی مورد تأکید قرار گرفته است ولی در این مقاله به تبیین میزان صداقت ژنرال مشرف در قبال مبارزه با افراط گرایی پرداخته نشده است.

۱-۴ اهداف تحقیق

تبیین زمینه ها و پیامدهای همکاری پاکستان و آمریکا در مبارزه علیه تروریسم طی سال های ۲۰۰۸-۲۰۰۱

۱-۵ فرضیه تحقیق

آمریکا در جنگ علیه تروریسم جایگاه برجسته ای را به پاکستان اختصاص داده اما دولت پاکستان در شرایطی نیست که بتواند انتظارات آمریکا را برآورده سازد.

۱-۶ اهمیت تحقیق

تجارب تاریخی پاکستان به عنوان یکی از بازیگران شبه قاره هند و دنیای اسلام، نشان داده است که این کشور به علت داشتن موقعیت ژئوپلتیک و استراتژیک در جنوب آسیا، هر زمان که مورد توجه قدرتهای جهانی واقع و از وزن ژئوپلتیک برجسته تری برخوردار شده، توانسته است نقش مهم و مستقیمی در تحولات منطقه، بویژه در حوزه منافع و امنیت ملی ایران ایفا کند. از آن جا که اصول سیاست خارجی ایران توجه ویژه ای به کشورهای اسلامی دارد، پاکستان نیز به عنوان یک واحد سیاسی اسلامی از جایگاه ویژه ای در سیاست خارجی ایران برخوردار بوده و جزو منافع منطقه ای ایران محسوب می گردد و هرگونه تحول یا جابجایی قدرت در این کشور، آثار مستقیمی بر منافع و امنیت ملی ایران می گذارد. به عبارت دیگر پاکستان همسایه ایران بوده و نفوذ هر کشوری در پاکستان می تواند مرزهای ایران با پاکستان را مورد تهدید قرار دهد. پاکستان از جمله کشورهای دارای سلاح اتمی است؛ از این رو جهت گیری های سیاسی این کشور می تواند تأثیر فزاینده ای بر امنیت ملی ایران داشته باشد. همچنین به دلیل تأثیر پاکستان بر حکومت های مختلف افغانستان، نفوذ هر قدرتی در پاکستان بر افغانستان - همسایه دیگر ایران - بی تأثیر نیست و خواه ناخواه ایران نیز از این امر تأثیر می پذیرد.